

اتحادیه آفریقا و تشکیل دولت آفریقائی: چالش‌های فرارو

اتحادیه آفریقا یا اصطلاحاً AU یک سازمان کاملاً آفریقائی بوده که هدف اصلی و اساسی آن هدایت قاره آفریقا به سمت صلح و امنیت و توسعه پایدار می‌باشد. این اتحادیه از روابط سیاسی و اقتصادی ۵۳ دولت^۱ عضو این اتحادیه حمایت نموده و تصمیم دارد که توسعه همه جانبه را در میان کشورهای عضو این اتحادیه توسعه داده و زمینه‌های ریشه‌کنی فقر را در میان کشورها فراهم نموده و در نهایت با توسعه سطح اقتصاد این قاره، آن را به اقتصاد جهانی متصل نماید. در این جا ذکر این نکته لازم است که وزیر امور خارجه تانزانیا در همایش روز آفریقا در این کشور در سخنانی عنوان نمود که یکی از عوامل مهم بی‌ثباتی و مشکلات عدیده آفریقا، عدم وجود یک سازمان و یا یک دولت قاره‌ای در آفریقا می‌باشد چرا که نقص این سازمان موجب دخالت کشورهای دیگر در مسائل مختلف سیاسی، اجتماعی و احتمالاً نظامی این قاره شده که کشورهای مذکور عموماً بدنبال منافع خود می‌باشند.

1. غیر از کشور مراکش که بواسطه ملاحظاتی در خصوص جبهه پولیساریو در این اتحادیه عضویت رسمی ندارد و فقط بعنوان عضو ناظر اتحادیه می‌باشد، تمامی کشورهای آفریقائی در اتحادیه عضویت دارند.

اتحادیه آفریقا در واقع همان سازمان وحدت آفریقا می‌باشد که در سال ۲۰۰۲ به این نام تغییر یافت. سازمان وحدت آفریقا (OAU) نیز پس از روند رو به رشد استقلال کشورهای آفریقائی از استعمارگران خود در سال ۱۹۶۳ تشکیل شده و در اواخر دوره خود یعنی در سالهای ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ در حالیکه بدلیل عدم پویائی و تحرک لازم در عرصه بین‌المللی و عرصه آفریقا مورد انتقاد شدید قرار گرفته، منحل و سازمان جدید تحت عنوان AFRICAN UNION یا اتحادیه آفریقا جایگزین آن شد.

بنا بر نظر و ایده آقای معمر قذافی رهبر لیبی، این اتحادیه تحت عنوان «ایالات متحده آفریقا» که اقتباس از ساختار اداری و اجرائی اتحادیه اروپا طراحی شده ولی در خلال اجلاس‌های اولیه و پس از بحث و بررسی‌های زیاد بنام اتحادیه آفریقا و با ساختاری کمی متفاوت‌تر از طرح اولیه تاسیس گردید.

اتحادیه آفریقا قصد دارد که اتحاد و صلح میان ملت‌ها را توسعه داده و کشورهای عضو را به افزایش دموکراسی و تاسیس دولت مطلوب در کشورهای خود تشویق نماید و در مراحل بعدی نیز توسعه پایدار را در همه ابعاد در میان کشورهای این قاره توسعه دهد. این اتحادیه معتقد است که درگیری‌ها و نزاع‌ها می‌بایست قبل از آنکه به صلح و ثبات این قاره لطمه وارد نموده، حل و فصل گردد. به همین منظور اتحادیه آفریقا در سال ۲۰۰۴ اقدام به تاسیس شورای صلح و امنیت نموده که این شورا ممکن است در درگیری‌های نظامی بین اعضا و یا درگیری‌های داخلی کشورهای عضو دخالت نموده و در واقع سیاست این اتحادیه از «عدم دخالت» در درگیری بین کشورهای عضو (تس سازمان وحدت آفریقا) به سیاست «عدم بی‌تفاوتی» در مواقع بروز درگیری میان کشورهای عضو تغییر یافته و این سازمان سعی خواهد نمود با روش‌های مختلف ضمن جلوگیری از

وخامت اوضاع نسبت به استقرار صلح و آرامش میان طرفهای درگیر اقدام عاجل صورت دهد.

این سازمان می‌تواند اقدام به اعزام نیرو نظامی متشکل از سربازان کلیه کشورهای عضو به مناطقی نماید که در آن قتل‌عام و جرایم علیه بشریت در حال تحقق می‌باشد همچنین این سازمان می‌تواند بعنوان نیروی ناظر صلح در میان کشورهای عضو فعالیت نماید. همچنین برنامه‌ای برای تاسیس نیروی واکنش سریع در دست بررسی می‌باشد که قرار است تا سال ۲۰۱۰ این نیروها تشکیل شده تا در مواقع ضروری و حساس از آنان استفاده شود. اولین مسئله‌ای که اتحادیه آفریقا مجبور به اعزام نیرو جهت پاسداری از صلح گردید به ماه می ۲۰۰۳ و اعزام نیروهای حافظ صلح متشکل از سربازان کشورهای آفریقای جنوبی، اتیوپی و موزامبیک به بروندی بوده که پس از آن اتحادیه آفریقا اقدام به اعزام نیرو به منطقه دارفور (سودان)، موریتانی و سومالی نموده و پیش‌بینی می‌شود که در صورت وخامت اوضاع در زیمبابوه، نیروهای حافظ صلح آفریقا به این کشور نیز اعزام شوند.

این اتحادیه همچنین با همکاری با برنامه توسعه آفریقا (NEPAD) که قصد فقرزدایی از کشورهای آفریقائی را دارد، می‌خواهد با اروپا معامله نموده و در عوض توسعه سیاسی و اقتصادی در میان کشورهای عضو، کمک‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری کشورهای اروپائی را جذب نماید.

این اتحادیه در اولین گام خود در ۱۸ مارس ۲۰۰۴ میلادی اقدام به تاسیس یکی از مهمترین ارگانهای و سازمانهای خود بنام «پارلمان آفریقائی» نموده که این پارلمان مسائل کلی آفریقا را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد و در حال حاضر فقط می‌تواند نظر مشورتی و یا نظارتی خود را به مجمع عمومی اتحادیه آفریقا ارائه نماید، هر چند در

برنامه اتحادیه، سازمان با قدرت کامل قانونگذاری و تقنینی پیش‌بینی شد که اعضا در صدد می‌باشند که پارلمان آفریقا را به چنین سمتی سوق دهند.

مقر پارلمان آفریقا شهر میدرند (آفریقای جنوبی) بوده که از ۲۶۵ نماینده از کلیه کشورهای عضو تشکیل گردید که در حال حاضر ریاست این پارلمان بر عهده خانم چرترالد مونگلا از تانزانیا می‌باشد.

ساختار اداری و اجرائی اتحادیه آفریقا: ساختار اداری و اجرائی اتحادیه آفریقا

شامل مجمع عمومی، شورای اجرائی و کمیسیون دائمی می‌باشد. مجمع اجرائی اتحادیه آفریقا شامل روسای کشورهای عضو اتحادیه بوده که سالیانه حداقل یک اجلاسیه عمومی خواهند داشت و علاوه بر آن در صورت درخواست هر یک از اعضا و با تصویب دو سوم اعضا مجمع عمومی نشست فوق‌العاده در خصوص موارد خاص برگزار خواهد شد. در واقع این مجمع مهمترین بدنه تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز اتحادیه می‌باشد. اعضای مجمع، رئیس اتحادیه را بمنظور هدایت امور اداری و اجرائی اتحادیه برای یک سال انتخاب می‌کنند. تعیین خط مشی‌های کلی اتحادیه آفریقا، دریافت، توجه و اتخاذ تصمیم لازم در خصوص گزارشهایی واصله از سایر ارگانهای اتحادیه آفریقا، بررسی درخواست عضویت اعضا جدید، تاسیس سازمانهای جدید اتحادیه آفریقا، تصویب بودجه سالیانه اتحادیه، ارائه راهکارهای اجرائی به شورای اجرائی اتحادیه در خصوص نحوه برخورد با مخاصمات مسلحانه و یا هر گونه حالت فوق‌العاده میان اعضا اتحادیه، انتخاب و یا عزل قضات دادگاه عدالت اتحادیه، انتخاب رئیس کمیسیون و معاونان وی و همچنین تعیین حدود وظایف و اختیارات آنان از مهمترین وظایف مجمع عمومی اتحادیه آفریقا می‌باشد.

رئیس مجمع عمومی که بصورت سالیانه و توسط رای کلیه اعضا اتحادیه آفریقا تعیین می‌شود در واقع بعنوان رئیس اتحادیه آفریقا بوده که مسئولیت امور سیاسی و اجتماعی کلیه کشورهای قاره را برای مدت یکسال بر عهده خواهد گرفت.

فهرست کشورها و دوره ریاست آنها در اتحادیه آفریقا

کشور	پایان ریاست	شروع ریاست	نام
آفریقای جنوبی	۱۰ ژوئای ۲۰۰۳	۹ ژوئای ۲۰۰۲	تابوامبکی
موزامبیک	۶ ژوئای ۲۰۰۴	۱۰ ژوئای ۲۰۰۳	یواکیم چیسانو
نیجریه	۲۴ ژانویه ۲۰۰۶	۶ ژوئای ۲۰۰۴	اولسکان اوباسانجو
جمهوری کنگو	۲۹ ژانویه ۲۰۰۷	۲۴ ژانویه ۲۰۰۶	دنیس ساسو انگسو
غنا	۳۱ ژانویه ۲۰۰۸	۲۹ ژانویه ۲۰۰۷	جان کوفور
تانزانیا	۲۶ فوریه ۲۰۰۹	۳۱ ژانویه ۲۰۰۸	ژاکایا کیک وتی
لیبی	تاکنون	۲۶ فوریه ۲۰۰۹	معمر قذافی

شورای اجرائی شامل وزرای خارجه کشورهای عضو و یا مقامات رسمی معرفی شده از طرف دولت متبوع می‌باشد که سالیانه دو اجلاس عمومی خواهند داشت و در مواقع ضروری نیز با پیشنهاد هر یک از کشورهای عضو و تصویب حداقل دو سوم اعضا اقدام به تشکیل نشست فوق‌العاده بمنظور بررسی وضعیت خاص خواهند نمود که تصمیمات این کمیسیون چه در اجلاس‌های عادی و چه در اجلاس‌های فوق‌العاده که با اجماع آراء کلیه اعضا شرکت‌کننده و یا با دو سوم آرا کشورهای عضو اتخاذ می‌شود، بصورت پیشنهاد و یا نظریه به مجمع عمومی ارائه شده تا با توجه به این پیشنهادات مجمع بتواند تصمیم بهتر و منطقی‌تر را اتخاذ نماید.

کمیسیون بدنه اجرائی و دفتری اتحادیه می‌باشد که آقای جینگ پینگ از کشور اتیوپی ریاست آن را عهده‌دار بوده و آقای پاتریک مازیمهاکا معاون وی می‌باشد و علاوه بر آن هشت کمیسیون دیگر به ریاست افراد ذیل: به نامهای

۱. کمیسیون صلح و امنیت بریاست آقای رمتان رامالا از کشورالجزایر
 ۲. کمیسیون منابع انسانی، علوم و تکنولوژی بریاست آقای جین پیر اونوهون زین از برون‌دی
 ۳. کمیسیون مسائل سیاسی بریاست خانم جولیا دونی جونیور از کشور گامبیا
 ۴. کمیسیون تجارت و صنایع بریاست خانم الیزابت تانکو از کشور کامرون
 ۵. کمیسیون امور زیربنایی و انرژی بریاست آقای الهام محمود احمد ابراهیم از مصر
 ۶. کمیسیون امور اجتماعی بریاست خانم وکیل بنس فلمونیا از نامیبیا
 ۷. کمیسیون امور اقتصادی بریاست آقای ام کوزالمبا از کشور مالاوی
 ۸. کمیسیون کشاورزی و اقتصادی مناطق دور دست خانم روزا پیس توموسیمی از اوگاندا، سیاستها و خط مشی‌های کلی اتحادیه را تعیین نموده و هماهنگی‌های لازم را با سایر بدنه‌های اجرائی و همچنین کشورهای عضو جهت برگزاری اجلاس چه در سطح وزرای خارجه و چه در سطح روسای کشورها معمول می‌دارند.
- اعضا کمیسیون، رئیس دائمی کمیسیون را برای مدت ۴ سال انتخاب می‌نمایند این کمیسیون در مواقع خاص می‌تواند اقدام به تاسیس کمیسیونهای تخصصی نموده و یا به فعالیت کمیسیونهای تخصصی موجود پایان دهد.
- این کمیسیون‌های تخصصی با عضویت وزرای مربوطه کشورهای عضو تشکیل شده که در خصوص مبحث‌کاری خود بحث و بررسی نموده و نظرات و پیشنهادات خود را به

کمیسیون اتحادیه آفریقا ارائه و این کمیسیون نیز پس از بازبینی آن را در اختیار مجمع عمومی قرار می‌دهد.

از مجموع ۵۴ کشور قاره آفریقا، ۵۳ کشور عضو اتحادیه آفریقا می‌باشند که مرکز اصلی آن در شهر آدیس آبابا (اتیوپی) بوده و بودجه سالیانه این اتحادیه نیز در حدود ۴۰ میلیون دلار می‌باشد.

البته برنامه‌های دراز مدتی نیز در خصوص تاسیس دادگاه آفریقائی حقوق بشر، بانک مرکزی و سازمان مشترک پولی و در نهایت نیز تاسیس جامعه اقتصادی آفریقا با یک سیستم پول مشترک تا سال ۲۰۲۳ نیز در برنامه کاری این اتحادیه می‌باشد.

در پی چندین اجلاس مستمر، در اجلاس اخیر وزرای خارجه کشورهای عضو اتحادیه آفریقا با تشکیل دادگاه اتحادیه آفریقائی حقوق بشر متشکل از حداقل ۱۱ قاضی از ملیتهای مختلف در شهر آروشا تانزانیا موافقت نموده و با این اقدام خود دو بال اصلی اتحادیه آفریقا یعنی بال قانونگذاری (پارلمان آفریقائی) و بال نظارت و کنترل بر حسن اجرای قوانین اتحادیه (دادگاه اتحادیه) را تشکیل داده‌اند.

مقر دادگاه آفریقائی حقوق بشر که یکی از ارکان اتحادیه آفریقا می‌باشد قرار است در منطقه تنگیورو از مناطق شهر آروشا (در شمال تانزانیا و در مجاورت کوه کلیمانجارو) تاسیس شود هر چند تاکنون از ۵۳ کشور قاره آفریقا و عضو اتحادیه آفریقا تنها ۲۴ کشور اساسنامه این دادگاه را تصویب نموده و موافقت خود را با تاسیس آن اعلام نموده‌اند. تشکیلات این دادگاه فعلا بصورت موقت در آروشا تاسیس شده و به اصطلاح آغاز بکار نموده ولی بدنبال موافقت روسای کشورهای عضو اتحادیه آفریقا با انتخاب تانزانیا بعنوان مقر این دادگاه، یک مکان دائمی و قطعی برای این کار در نظر گرفته شد.

بنا به اعتقاد پرفسور جراید میانگ‌مو رئیس دادگاه حقوق بشر اتحادیه آفریقا، نیاز فوری و عاجل به اتخاذ تصمیم و پذیرش پروتکل تشکیل- دادگاه آفریقائی در سطح قاره آفریقا وجود دارد و علاوه بر آن وی درخواست نموده که روسای کشورهای عضو اتحادیه، تدابیری اتخاذ نموده که افراد حقیقی و سازمانهای غیر دولتی نیز حق ارجاع پرونده و شکایات خود به دادگاه مذکور را داشته باشند.

دادگاه حقوق بشر و مردم اتحادیه آفریقا یک دادگاه منطقه (قاره‌ای بوده) که در محدوده کشورهای آفریقائی بمنظور تکمیل سرفصل حقوق بر اتحادیه آفریقا فعالیت می‌نماید که شروع فعالیت این نهاد در ۲۵ ژانویه ۲۰۰۴ و با تصویب ۱۵ کشور عضو اتحادیه صورت گرفت. به استناد تصمیم اتخاذ شده توسط اعضا اتحادیه آفریقا در ژوئن سال ۲۰۰۴ این دادگاه با ادغام دادگاه آفریقائی که تا قبل از آن وجود داشته، تاسیس گردید.

اخذ میزبانی و در نهایت تاسیس مقر دادگاه اتحادیه آفریقا برای کشور تانزانیا بسیار مهم می‌باشد. نقش سازنده و میانجیگر تانزانیا در بحرانهای این قاره حداقل در سه ساله اخیر بسیار چشمگیر بوده و قابل قیاس با سایر کشورهای دیگر آفریقائی نمی‌باشد. نقش تانزانیا در بحران دارفور با انتصاب آقای احمد سلیم احمد (نخست‌وزیر سابق تانزانیا) بعنوان نماینده ویژه اتحادیه آفریقا در خصوص حل این بحران، نقش تانزانیا و شخص آقای کیکواتا در بحران داخلی زیمبابوه در اواسط سال ۲۰۰۷ در جریان سرکوب و ضرب و شتم رهبر مخالفان دولت زیمبابوه، نقش مهم تانزانیا در بحران کنیا با اعزام آقای ام کاپا رئیس‌جمهور سابق خود در جهت کمک به آقای کوفی عنان بمنظور حل بحران داخلی کنیا پس از انتخابات سراسری و در نهایت دخالت مستقیم آقای کیکواتا رئیس‌جمهور تانزانیا و رئیس سابق اتحادیه آفریقا و متقاعد نمودن طرفین به تقسیم و

اشتراک قدرت بین خود و همچنین نقش تانزانیا در جهت موافقت با اعزام نیرو به کومور و مشارکت در اعزام نیرو بمنظور مبارزه با ادعا استقلال آقای محمد باکار (در جزیره آنژوان) همگی نشان دهنده عزم تانزانیا در جهت حفظ و صلح و ثبات در این قاره سیاه دارد و لذا این فاکتورها موجب گردید که رهبران کشورهای آفریقائی موافقت خود را با تاسیس مهمترین نهاد حقوقی و قضائی خود در تانزانیا اعلام نمایند.

پس از تشکیل دو بال مذکور، رهبران کشورهای عضو اتحادیه در صدد هستند که پیکره اصلی این پرنده (آفریقا) را که دولت آفریقا (CONTINENTAL GOVERNMENT) می‌باشد تشکیل داده تا بتوانند با بحرانها و یا مسائل آفریقا برخورد منطقی‌تر و مناسب‌تری داشته باشند.

در این موضع کشورهای آفریقائی به دو دسته تقسیم شده‌اند و برخی از کشورها مانند لیبی، مصر، سنگال، سودان و مالی به تشکیل زود هنگام و بی‌درنگ این دولت نظر دارند و در مقابل برخی دیگر از کشورها مانند تانزانیا، آفریقای جنوبی، سودان و الجزایر تشکیل دولت مذکور را منوط به بررسی‌های بیشتر و رعایت همه جوانب امر نموده‌اند و معتقد هستند که تعجیل در این امر احتمال ناکارآمدی و شکست چنین طرحی را افزایش داده و در صورت شکست احتمالی چنین طرح و ایده‌ای، ماهیت حقوقی و سیاسی کل اتحادیه را به خطر انداخت.

برخی از رهبران کشورهای آفریقائی با انتقاد ضمنی از اتحادیه اروپا در خصوص نداشتن دولت اروپائی عزم خود را جزم نموده تا در خصوص تشکیل دولت آفریقائی اقدام نموده چرا که این دسته از رهبران معتقدند که عدم وجود دولت آفریقائی موجب مداخله سایر کشورها بویژه آمریکا و کشورهای اروپائی و میانجیگریهای بی‌مورد آنان در سطح قاره بنفع منافع ملی خود شده که این اقدامات در بسیاری از موارد به وخیم‌تر شدن

اوضاع میان کشورهای عضو اتحادیه منجر گردید تا حل و فصل موضوع چرا که آنان معتقدند که ایجاد ساز و کاری تحت عنوان دولت آفریقائی برای حل و فصل امور داخلی آفریقا نه تنها مثبت و سازنده بوده بلکه ضروری نیز می‌باشد، لیکن برای رسیدن به این مهم راه درازی در پیش است. توجه این دسته از افراد این است که دو بال (به اصطلاح پرنده) اتحادیه آفریقا یعنی دادگاه واحد آفریقا و پارلمان آفریقا بعنوان قوای قضائیه و مقننه اتحادیه تشکیل گردیده و حال نوبت به موتور محرک این قوا یعنی قوه مجریه می‌باشد که بتواند بعنوان یک سازمان مستقل و با همکاری سایر نهادهای وابسته کل امور داخلی آفریقا را سازمان‌دهی و هدایت نماید.

در اجلاس اخیر سران اتحادیه آفریقا در شرم‌الشیخ مصر، رهبران کشورهای آفریقائی تصمیم گرفتند که نسبت به تشکیل دولت آفریقائی تا ژانویه سال ۲۰۰۹ اقدام نمایند. آقای عبدالله واد رئیس‌جمهور سنگال اعلام نموده که اتحادیه آفریقا به رئیس این اتحادیه آقای جین پینگ دستور داده که نقشه راه تاسیس چنین دولتی را در اسرع وقت ترسیم نموده و آن را به اجلاس رهبران اتحادیه آفریقا در شهر آدیس آبابا (اتیوپی) تقدیم نماید.

چالش‌های اتحادیه آفریقا:

اتحادیه آفریقا با چالش‌های زیادی مواجه می‌باشد. یکی از این چالشها، موضوع توانمندی و یا ناتوانی این اتحادیه در مقابله با بحرانهای قاره‌ای می‌باشد چرا که برخی اعتقاد دارند که این سازمان نیز همانند سازمان سلف خود از اقتدار و قدرت کافی جهت حل و فصل مسائل قاره‌ای برخوردار نمی‌باشد و توجه آنان این است که اکثر رهبران فعلی که در این اتحادیه عضویت دارند، همانند افرادی هستند که در سازمان اتحاد

آفریقا نیز عضو بوده و این سازمان را به یک سازمان دیکتاتوری و یا یک کلپ دیکتاتوری تبدیل شده بود که در نهایت منحل و سازمان جدید تاسیس گردید چرا که تغییر بنیادین در رهبران و یا شیوه رهبری کشورهای آفریقا به نسبت ۵ یا ۱۰ سال قبل ایجاد نگردید که بتوان به سرنوشت مثبت این اتحادیه نیز امیدوار بود.

وجود رهبران مستبد و دیکتاتور در برخی از کشورهای آفریقائی، روند دموکراسی در کل آفریقا را با یک چالش و سوال اساسی مواجه نموده که آیا اساسا تلاشی در جهت استقرار دموکراسی و مردم سالاری در این کشورها صورت گرفته و یا اصولا چنین نظری در میان حاکمان جوامع آفریقایی وجود دارد که در صورت مغلوب شدن در انتخابات آزاد و دموکراتیک در یک پروسه قانونی سالم و صلح‌آمیز اختیار امور کشور را به دست همکاران و یا احزاب جدید بسپارند و یا این حاکمان سعی نمودند که با لطایف‌الحیل کماکان قدرت را در دست خود داشته و در این راه، بر اراده و خواست ملت نیز اهتمامی نداشته باشند.

نکته‌ای که در این زمینه قابل ذکر است این است که عموما تمامی انتخابات برگزار شده در قاره آفریقا با مشکلات خاصی همراه بوده که مشروعیت انتخابات را تهدید جدی می‌نمود ولی حزب حاکم چه در صورت برد و یا باخت در صحنه انتخابات (معمولا برنده انتخابات) قدرت را مجدد در دست گرفته و نه تنها به احزاب مخالف و نظر نمایندگان و مردم طرفدار آن توجهی ننموده بلکه سعی در خاموش نمودن صدای آنان نیز خواهد کرد.

بطور مثال در انتخابات سراسری ریاست جمهوری و پارلمانی تانزانیا که در اواخر سال ۲۰۰۴ میلادی در تانزانیا و زنگبار برگزار گردید، برخی از ناظران از اقدام دولت در جهت انجام تقلب‌های وسیع و فراگیر در انتخابات (بویژه انتخابات جزیره زنگبار) انتقاد

نموده و حتی سعی داشتند که این انتخابات را تأیید نکرده ولی حزب حاکم بالاخره توانست نظر و رای آنان را جلب نماید و یا در انتخابات اخیر ریاست جمهوری نیجریه نیز برخی از ناظران مدعی هستند که انتخابات از وقوع تقلب‌های وسیع و فراگیر در انتخابات در مناطق مختلف آن کشور خبر داده که هیچ توجهی به این انتقادات نگردید و حزب حاکم مجدداً قدرت را تصاحب نمود.

عدم تغییر در رهبران سیاسی اکثر کشورهای آفریقائی و به قدرت رسیدن رهبران سابق تحت پوشش انتخابات عمومی و دموکراتیک خود نوعی تناقض می‌باشد. پر قدرت بودن بعضی از روسای جمهور آفریقا، خود عامل قتل مستقیم یا غیرمستقیم مردم خود و یا عامل مهم مبارزه و مقابله با دموکراسی در کشورهای خود می‌باشند چگونه ممکن است خود نیروی محرکه دموکراسی و مردم سالاری در کشورها باشند و دیگران را نیز به این کار تشویق نمایند. برخورد شدید بعضی از کشورهای آفریقا، برخورد احزاب مختلف و همچنین درگیریهایی پراکنده که منجر به قتل عام صدها نفر در کنگو و بروز مشکلات داخلی در کنیا پس از انتخابات سراسری سال ۲۰۰۷ در آن کشور، همگی نشان می‌دهد که پروسه دموکراتیک با موانعی روبرو است.

چالش دوم در خصوص مسائل مالی و پولی اتحادیه آفریقا می‌باشد و موضوع این است که آیا کشورها عضو اتحادیه قادر به حل و فصل مسائل مالی و فقر در اقصی نقاط کشور خود می‌باشد تا در صورت فائق آمدن بر این امر بتوانند مبالغی را به سایر کشورهای نیازمند کمک نمایند یا اینکه حجم مشکلات مالی و اقتصادی کشورهای عضو مانع از کمک به سایر کشورها شده و در نتیجه سیستم پولی و برنامه تشکیل جامعه اقتصادی آفریقا تا سال ۲۰۲۴ به شکست خواهد انجامید.

در حال حاضر وضعیت پولی و اقتصادی برخی از کشورهای آفریقا تا مرز بحران پیش می‌رود، بطور مثال زیمبابوه با وضعیت بسیار نابهنجار اقتصادی امکان رسیدن به مطلوبهای اتحادیه آفریقا را نداشته ضمن اینکه بسیاری از کشورهای آفریقایی حتی از تخصیص اعتبار لازم برای بودجه سالیانه خود ناکام بوده و نیازمند کمکهای کشورهای خارجی می‌باشند و این کمکها نیز بدون چشم داشت و جستجو منافع ملی کشورهای کمک‌دهنده نمی‌باشد.

در یکی از اصول اتحادیه آفریقا پیش‌بینی شده که کشورهای عضو می‌بایست یکدیگر را به توسعه فرایند دموکراسی و تلاش در جهت افزایش عملکرد اقتصادی در کشورهای عضو تشویق و ترغیب نموده اما این اصل نیز مورد چالش برخی از سیاستمداران قرار گرفته چرا که آنان معتقدند که اگر تشویق دموکراسی در سرلوحه اصول اتحادیه آفریقا قرار دارد در برخی از کشورهای آفریقائی هنوز توسط رهبران دیکتاتور و یا رهبرانی که سعی نموده و خواهند نموده که فریادهای آزادی‌خواهی و دموکراسی در جامعه خود را در نطفه خفه کنند هدایت و رهبری شده، در حالیکه کشورهای دیگر عضو اتحادیه به تعهد خود عمل ننموده و به این گونه رهبران نه تنها انتقاد نکرده بلکه بصورت تلویحی با نشان ندادن عکس‌العمل لازم از اقدامات غیر دموکراتیک آنان حمایت می‌کنند.

البته علاوه بر انتقاد فوق، انتقادات دیگری نیز به اتحادیه آفریقا، برخی از اعضا آن و سیستم اداری و اجرائی آن وارد است. بطور مثال برخی از کشورهای آفریقا خارج از ضوابط اتحادیه اقداماتی را در جهت اخذ کمکهای بیشتر از کشورهای غربی انجام داده و در مقابل نیز منابع طبیعی خود را با ثمن بخش در اختیار آنان قرار می‌دهند که این در تضاد با اصول اتحادیه آفریقا مبنی بر حفظ و حراست از میراث فرهنگی و منابع طبیعی آفریقا می‌باشد. علاوه بر آن برخی از کشورها عضو اتحادیه فریادهای دموکراتیک را گوش

نداده و در برخی از موارد ژست دمکراتیک بخود گرفته و فقط سعی دارند که با اینکار خود را پیشرو در زمینه حفظ و صیانت از آرا ملت معرفی نموده و با این حربه کمکه‌های خارجی را که با عناوین چون توسعه دمکراسی در کشورهای آفریقائی قابل دریافت می‌باشد، به سمت کشورهای خود سرازیر نموده و این کمکه‌ها را به جیب خود و یا حزب حاکم واریز و با اینکار قدرت و امکانات بیشتری را جذب و در منافع خود و سرکوب مخالفان هزینه نمایند.

در کشورهای آفریقائی جهت کسب قدرت، سرمایه و پول نقش بسزائی را ایفا نموده و تجربه نشان داده که اگر شخص و یا حزبی پول و یا امکانات بیشتری داشته باشد و یا از حمایت‌های آشکار و یا پنهان کشورهای غربی برخوردار باشد، درصد رسیدن به قدرت برای آن حزب بمراتب بیشتر از احزابی می‌باشد که مردمی‌تر و دمکراتیک‌تر می‌باشند چرا که احزاب مردمی و محبوب بدلیل نداشتن امکانات مادر و یا ابزارهای تبلیغاتی مانند رادیو، تلویزیون و یا روزنامه قادر نیستند افکار خود را با آرا عمومی بگذارند و در واقع می‌توان گفت در حال حاضر که در قرن ۲۱ می‌باشیم قدرت مادی، پول و سرمایه و برخورداری از مراکز اطلاع رسانی در کشورهای آفریقائی، برنده انتخابات را مشخص خواهد نمود نه نظر مردم و عقاید و ایده‌های احزاب و یا اشخاص.

شاید گفته شود که این امر در همه کشورها صدق می‌کند ولی تفاوتی که میان این کشورها و کشورهای آفریقائی وجود دارد این است که سایر کشورهای غیر آفریقائی اگر نتوانیم ادعا کنیم که همه احزاب و حتی حزب حاکم بصورت برابر از ابزار رسانه‌ای در جهت معرفی خود استفاده نموده می‌توان گفت که احزاب (به اصطلاح) مخالف و یا حزب غیر حاکم نیز امکان دسترسی نسبی و مطلوب به رسانه‌ها در جهت معرفی خود دارند ولی این امر در آفریقا کاملاً تفاوت داشته و احزاب مخالف قدرت استفاده از رسانه‌های

شنیداری و یا گفتاری را ندارند چرا که دولت و یا حزب حاکم با سرمایه‌های خود که عموماً از محل کمک‌های خارجی برای توسعه کشور اخذ شده اقدام در انحصار قرار دادن این رسانه‌ها می‌نمایند.

چالش سومی که قاره آفریقا با آن مواجه می‌باشد انعقاد قراردادهای به اصطلاح استعماری و استثماری برخی از کشورهای آفریقائی با کشورهای پیشرفته و توسعه یافته اروپا و آمریکا می‌باشد چرا که این کشورها به پشتیبانی مالی و سیاسی کشورهای اروپائی نیازمند بوده و از آن سو نیز کشورهای اروپائی نیز به مواد خام و منابع طبیعی کشورهای آفریقائی نیاز شدید دارند. بطور مثال سنگ قیمتی تانزانیت که مختص تانزانیا می‌باشد از این کشور بصورت خام توسط شرکت‌هایی از آفریقای جنوبی و ژاپن و چین استخراج و صادر می‌شود و پس از فرآوری و استحصال با قیمت‌های گزاف در بازارهای کشورهای اروپائی به فروش می‌رسد در حالیکه سهم تانزانیا از فروش هر قطعه تانزانیت فقط ۵ درصد قیمت نهائی آن می‌باشد. بنا بر قول یکی از اساتید دانشگاه دارالسلام تانزانیا، اولین قدم در جهت رهائی از فقر و بیچارگی و استقلال کامل کشورهای آفریقائی فسخ نمودن اینگونه قراردادهای استعماری می‌باشد که با وجود وضعیت کشورهای آفریقائی این امر حداقل تا چندین دهه آینده ممکن نخواهد بود.

همه این مشکلات و چالش‌ها از یک سو و روند رو به افزایش بیماری‌های مانند ایدز، هیپاتیت و مالاریا و ضعف فنی، تکنولوژی و مالی کشورهای عضو اتحادیه در جهت مقابله و مبارزه با این مسائل، ادامه موجودیت و بقا اتحادیه را با بحران‌هایی مواجه خواهد نمود و این بحران‌ها و چالش‌ها دست به دست هم خواهند داد تا این قاره همانند گذشته در تب فقر و بیچارگی سوخته و بمنظور رسیدن به حداقل‌های خود سرمایه‌های ملی خود را براحتی با قیمت نازل در اختیار کشورهای پیشرفته قرار دهند.

بنظر می‌رسد افکار عالی طراحان اتحادیه آفریقا مبنی بر تشکیل پول واحد، ارتش واحد و سیستم روادید واحد (به تبعیت از اتحادیه اروپا) راه به جایی نبرده و حداقل تا ۱۵ سال دیگر احتمال تشکیل چنین تشکیلات منسجم و منظمی در اتحادیه آفریقا وجود نخواهد داشت.

در مجموع با توجه به مطالب فوق و در فقر مالی شدید کشورهای عضو اتحادیه و حضور همه جانبه کشورهای غربی در جهت استثمار آشکار و پنهان کشورهای آفریقائی و همچنین عدم بلوغ سیاسی و اجتماعی و فرهنگی مردمان این قاره بدلیل فقر اطلاع‌رسانی و محدودیت کسب اطلاع از افکار و عقاید مختلف احزاب سیاسی، تبیین آینده روشن، مثبت و رو به رشد برای اتحادیه آفریقا کمی با مشکل مواجه خواهد شد و تشریفات شدن این اتحادیه در سطح قاره آفریقا را شاهد خواهیم بود موضوعی که در حال حاضر نیز در خصوص بحران دارفور سودان تا حدی به چشم می‌خورد و تلاشهای رهبران اتحادیه در خصوص جلوگیری از ادامه بحران موفقیت چندانی نداشته و در نهایت با حضور سازمانهای بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد و کشورهای غیر آفریقائی مانند آمریکا و... تلاشهایی در جهت حل مسالمت‌آمیز بحران صورت گرفته و در کنار آن نیز اتحادیه آفریقا نقش تشریفات خود را در جهت به اصطلاح کنترل بحران ایفا نمود هر چند اتحادیه و نمایندگان بارها و بارها هدف عالی و غایی اتحادیه آفریقا در جهت حل بحران‌های درون قاره‌ای بویژه بحران دارفور را اعلام نموده‌اند ولی با مشکلات فعلی اگر اتحادیه آفریقا راسا قصد حل بحران و کنترل این اوضاع را می‌داشت با موفقیت مواجه نشده و تلاشهای اتحادیه به شکست می‌انجامید.

هر چند بصورت اصولی می‌بایست از تلاشهای اتحادیه آفریقا در مواجهه با بحرانهای این قاره حمایت نمود ولی ناگفته پیداست که این تلاشها در صورت عدم حمایت سایر

ارگانهای بین‌المللی و حتی کشورهای خارجی به نتیجه نخواهد رسید هر چند نقطه مقابل آن هم صدق می‌کند یعنی در برخی از موارد دخالت این گونه ارگانها و سازمان اوضاع را وخیم‌تر نموده که بطور مثال می‌توان از دخالت دادگاه بین‌المللی جنایات جنگی مستقر در لاهه در صدور حکم جنایتکار جنگی برای رئیس‌جمهور سودان موجب شعله‌ور نمودن آتش مناقشات داخلی این کشور در جنوب این کشور و منطقه موسوم به دارفور گردیده و این حکم نه تنها به حل و فصل موضوع کمکی نکرده بلکه موجب انتقاد شدید اتحادیه آفریقا بعنوان میانجیگر فعال در حل بحران دارفور و حتی وزرای خارجه جنبش عدم تعهد (بیانیه پایانی اجلاس جنبش عدم تعهد در تهران تیر ماه ۱۳۸۷) گردید.

کاظم سلطان احمدی